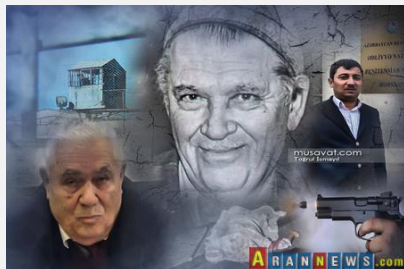


ی‌نی مساوات به جوسازی علیه ایران ادامه می دهد

روزنامه «ی‌نی مساوات» چاپ باکو در ادامه فضا سازی ضد ایرانی در باره قتل «ضیاء بنیادوف»، معاون اول پیشین حزب حاکم «آذربایجان نوین»، با ترتیب دادن مصاحبه ای با «نظامی نقی اف»، محکوم به حبس ابد در زندان مخوف قوبوستان بار دیگر مدعی آموزش نظامی وی در ایران شد.



به گزارش آران نیوز روزنامه «ی‌نی مساوات» چاپ باکو در ادامه فضا سازی ضد ایرانی در 21 مین سالگرد قتل «ضیاء بنیادوف»، معاون اول پیشین حزب حاکم «آذربایجان نوین»، با ترتیب دادن مصاحبه ای با «نظامی نقی اف»، محکوم به حبس ابد در زندان مخوف قوبوستان به خاطر مشارکت در قتل «ضیاء بنیادوف»، بار دیگر مدعی آموزش نظامی وی در ایران شد.

ی‌نی مساوات در مقدمه قسمت مصاحبه با «نظامی نقی اف» که روز دوشنبه در پایگاه اینترنتی این روزنامه منتشر شد، نوشت: «نظامی نقی اف در سن 54 سالگی، 18 سال است که در زندان به سر می برد. از سال 2000 در سلولی که برای زندانیان حبس ابد در نظر گرفته شده است به همراه «مظاهر زینال اف» زندانی است. مظاهر زینال اف که از دانشگاه اقتصاد با مدرک عالی فارغ التحصیل شده است، و نظامی نقی اف، بازرس کمیته دولتی گمرک، امروز در میان دیوارهای زندان قوبوستان مجازات قتل را که 21 سال قبل مرتکب شدند، تحمل می کنند... زندان بسته قوبوستان در کنار منطقه محافظت شده قوبوستان قرار دارد. از حیاط زندان نیز می توان صخره ها و سنگ های این منطقه حفاظت شده را مشاهده کرد. در محوطه این زندان که در احاطه چند حاشیه حفاظتی قرار دارد، گویی چهره انسان ها نیز سنگواره ای شده و به بخشی از صخره های اطراف تبدیل شده است. محافظان به سوالات جواب می دهند، اما حالت صورتشان تغییر نمی کند. گویی بروز احساساتشان نیز ممنوع است. در اینجا هر حرکتی تحت نظارت است. خوابیدن و بیدار شدن، خوردن و نوشیدن، تماشای تلویزیون و شستشو در حمام و همه چیز تحت نظارت است. آزادی حرکت وجود ندارد... به هنگام عبور از درآهنگی زندان، افسر نگهبان امر کرد: «دست ها بالا». از فرق سر تا نوک پا تمامی بدنم را بازرسی کرد. پاکت سیگارم را برداشت و به این طرف و آن طرفش نگاه کرد. به سربازی که در آن طرف بود، امر کرد در را باز کند. در آهنگی سنگین، جیر - جیر کنار باز شد. تا رسیدن به آن در، باید از در میله ای دیگری نیز عبور می کردیم... محافظی که از ابتدا قدم به قدم در کنارم بود و بدون اینکه یک کلمه حرف بزند، با اشاره دست راه را نشان می داد، اتاقی را نشان داد. سربازان، زندانی را پیش مان آوردند و دستبندش را باز کردند. دستیار افسر میانسالی که جای دستبند بر روی ساعدش را می مالید، کلمات «زندانی حبس ابد، نقی اف نظامی عادل اوغلو» را بیان می کند و در این لحظه فهمیدم کسی که با وی مصاحبه خواهم کرد، جلویم ایستاده است.»

ی‌نی مساوات با ذکر زندگی نامه «نظامی نقی اف»، قسمت اول مصاحبه با وی را منتشر کرده و در بخشی از این مصاحبه به نقل از وی نوشته است: «اواخر سال 1991 بود که «تاریل»، دوست دوره خدمت سربازی ام، پیشم آمد. بعد از خدمت سربازی زود به زود او را می دیدم. در آن زمان، تاریل در یکی از انیستیتوهای آکادمی ملی علوم کار می کرد و عضو هیات علمی بود. در اوقات فراغت او به خانه من می آمد و من هم به خانه او می رفتم... در سال 1991 وقتی پیشم آمد، گفت: «من نماز می خوانم، تو هم بخوان.» پدرش استاد فیزیک در آکادمی ملی علوم بود و اعضای خانواده اش روشفکر بودند. تاریل به «مسجد محمد(ص)» در «ایچری شهر» باکو می رفت و خودش هم متولی مسجد شده بود. بعدها فهمیدم وقتی مسئولیت این مسجد را پذیرفته بود، این مسجد شرایط به هم ریخته ای داشته و او به همراه دینداران این مسجد را مرمت کرده است. من هم از سال 1992 مسجد رفتن را آغاز کردم و نماز خواندن را یاد گرفتم. تا آن زمان مشروب می خوردم و سیگار می کشیدم. هم مشروب و هم سیگار را ترک و نماز و عبادت را آغاز کردم.»

خبرنگار روزنامه «ی‌نی مساوات» افزوده است: «در این زمان، پاکت سیگار روی میز را به طرفش گرفتم و تعارف کردم. گفت که سیگار نمی کشد. از او خواستم که این پاکت سیگار را به دوستان زندانی اش بدهد. گفت: «چیزی را که برای خودم روا نمی دانم، برای سایرین نیز روا نمی دانم.» درباره نماز خواندن یا نخواندنش پرسیدم. پس از اینکه تایید کرد نماز می خواند، صحبتمان به کتب مقدس کشیده شد. متوجه می شوم که پس از زندانی شدن، درباره شخصیت «ضیاء بنیادوف» بیشتر تحقیق کرده است و قرآنی را که او ترجمه کرده، در زندان خوانده است. می گوید امروز هم همان کتاب در سلولش است.»

نظامی نقی اف درباره زندگی اش تا زمان قتل «ضیاء بنیادوف» و دستگیری اش می گوید: «زندگی عادی داشتم. ماشین و پول نداشتم که آنها هم بعد از ورود به تجارت به دست آمدند. پس از آغاز نماز خواندن در سال 1992 در همان «مسجد محمد (ص)» با «جوانشیر» آشنا شدم. جوان های زیادی به آن مسجد می آمدند. در آن دوره، تعداد کسانی که به دین اسلام و نماز روی می آوردند، خیلی زیاد بود. خیلی وقت ها جای خالی برای نماز خواندن در مسجد وجود نداشت. اکنون همان مسجد، مکان حفاظت شده است (موزه شده است). این را در زندان از تلویزیون دیدم. بخشی از جوانانی که به آنجا می آمدند، جدا شدند و به «مسجد جمعه» که قدری بالاتر از آنجا بود، رفتند. در آن زمان، همان مسجد نیز از مدت ها قبل بسته بود. آن مسجد را هم باز کردند. فردی به نام «آذر» بود که بچه هایی که با وی رفتند، مسجد جمعه را هم باز کردند. خبر «آذر» را هم در اینجا در زندان دریافت کردم. در روزنامه خواندم که او هم کاری کرده و به گرجستان فرار کرده است. در دوره ای که در «مسجد محمد (ص)» جمع می شدیم، تاریل رهبر آن مسجد شناخته می شد. همه اطراف او جمع می شدند. ما سخن او را امر تلقی می کردیم. تابستان سال 1992 بود که تاریل مرا صدا کرد و گفت: «نیروهای «آمون» (نیروهای پلیس ویژه جمهوری

آذربایجان که در قره باغ می جنگیدند) برای آموزش به ایران می روند. من صحبت کرده ام که تو و جوانشیر هم برای آموزش به ایران بروید. من رضایت اولیه ام را اعلام کردم.... در آن زمان، برادر بزرگم در جبهه (جنگ قره باغ با ارمنستان) بود. رفتم او را در جبهه ببینم. به من گفت که به خانه برگرد، اینجا جنگ شدیدی روی خواهد داد. باید یکی از ما زنده بماند. با آنکه اعتراض کردم ، به خانه برگشتم. وقتی به باکو برگشتم، جوانشیر به ایران رفته بود. چند ماه بعد، جوانشیر از ایران برگشت و گفت که در مناطق آذربایجان ایران ، جوانان زیادی (از جمهوری آذربایجان) بودند که برای جنگ در قره باغ در آنجا آموزش می دیدند. سخنان او مرا هم متمایل کرده بود.»

ادامه این مصاحبه در شماره بعدی روزنامه « ینی مساوات » منتشر خواهد شد.

یادآوری می شود ضیاء بنیادوف که از روشنفکران تالش جمهوری آذربایجان و سیاستمداری برجسته بود، به علت صراحت زبانی که در انتقاد از بی عدالتی ها و چاپلوسی های موجود در نظام حکومتی جمهوری آذربایجان داشت در فوریه سال 1997 به طرز مرموزی به قتل رسید و سران امنیتی باکو برای رفع اتهام از خود، انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه رفتند. اما، در سال های بعد باکو اتهام زدن به ایران در این زمینه را ترک کرد. به دلایل نامعلومی در شرایط کنونی که باکو بر گسترش روابط با تهران پافشاری می کند، مشخص نیست چرا روزنامه ینی مساوات که در سال های اخیر به یکی از ابزارهای اصلی شعبه اجتماعی - سیاسی ریاست جمهوری آذربایجان تبدیل شده است، مجددا اتهام بی اساس به ایران را درباره قتل ضیاء بنیادوف در دستور کار خود قرار داده است. ناظران احتمال می دهند ینی مساوات در این باره بطور مستقیم از مراکز صهیونیستی دستور گرفته باشد.